

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

نویسنده: بیل وون اوکن

۲۹ جون ۲۰۱۲، مرکز مطالعات جهانی سازی

برگردان از: حمید محوی

۰۴ جولای ۲۰۱۲

رئیس جمهور قدیمی امریکا، اوباما را به قتل متهم دانست



مقاله ای از جیمی کارتر، سی و نهمین رئیس جمهور ایالات متحده، روز شنبه در نیویورک تایمز منتشر شد، که در آن به شکل فوق العاده ای دولت اوباما را به دلیل اقدام به قتل، نقض جنایتکارانه حقوق بشر و نقض قانون اساسی امریکا محکوم دانست.

در مقاله اش زیر عنوان «ترازنامه خشونت و اعمال غیر عادی» جیمی کارتر نوشته است: «مدارکی که بر اساس آن مقامات عالی رتبه افرادی را در خارج از کشور هدف قرار می دهند، و از جمله شهروندان امریکائی، تنها تازه ترین گواه نگران کننده در مورد وسعت نقض حقوق بشر توسط کشور ما است.»

با اشاره به مفاد قانون مجوز دفاع ملی (۱) که به شکل غم انگیزی شناخته شده است، در ۳۱ دسمبر سال گذشته توسط اوباما به تصویب رسید، کارتر می نویسد: «قانون جدید به رئیس جمهور اجازه می دهد که هر فردی را که به همکاری با سازمان های تروریستی یا سازمان های وابسته به آن مظنون تشخیص دهد به شکل نامحدود زندانی کند، یعنی قدرتی گسترده و مبهم که می تواند در نبود نظارت به سوء استفاده در دادگاه ها و کنگره بینجامد.» به وسیله شنود مکالمات تلفنی و بهره برداری از داده های الکترونیکی بی آن که نیازی به مجوز قانونی باشد.

در مورد حملات "درون ها" پهپادهای امریکائی، رئیس جمهور سابق اضافه کرد، «بر اساس قاعده ای اختیاری هر فردی که زیر بمباران پهپادها کشته شود دشمن و تروریست اعلام می گردد؛ مرگ زنان و کودکان بی گناهی که در مجاورت بمباران ها به وقوع می پیوندد، به عنوان امری اجتناب ناپذیر تلقی می شود... نمی دانیم چند صد غیر نظامی بی گناه در این حملات کشته شده اند، و با آگاهی به این امر که هر یک از حملات توسط بالاترین مقامات واشینگتن تأیید شده است. چنین وقایعی در گذشته ناممکن بود.»

مقاله جیمی کارتر همان روزی منتشر شد که سفیر پاکستان در سازمان ملل متحد در مقابل کمیسیون حقوق بشر در سازمان ملل متحد از حملات پهپادهای امریکائی بر فراز آسمان کشورش شکایت می کرد. بر اساس گزارش سفیر پاکستان طی این بمباران ها «صدها نفر از افراد بی گناه که بخشی از آنها را زنان و کودکان تشکیل می داده اند کشته شده اند.» او مشخصاً اعلام کرد که تنها در سال ۲۰۱۰ تعدادی قربانیان غیر نظامی در پاکستان ۹۵۷ نفر بوده است.

کارتر در عین حال دولت را به ادامه فعالیت هایش در اردوگاه زندانیان در خلیج گوانتانامو در کوبا محکوم کرد. جیمی کارتر مشخصاً از حضور ۱۶۹ زندانی پرده برداشت که «نیمی از آنها را آزاد شدنی اعلام کرده اند» ولی با این وجود ممکن است هرگز آزادیشان را به دست نیاورند» و بقیه «هیچ چشم اندازی برای مشخص شدن جرائمشان و یا دادگاهی شدن ندارند.»

در موارد نادری که زندانیان در دادگاه نظامی حضور یافتند، کارتر می گوید که متهمان «بیش از صدها بار به روش «واتربردینگ» (شبیه سازی خفگی در آب) شکنجه شده بودند، با سلاح نیمه اتوماتیک و مته برقی تهدید شده بودند، و حتی آنها را تهدید کرده بودند که به مادرانشان تجاوز جنسی خواهند کرد.» او در ادامه می گوید: «موضوع حیرت آور این است که چنین مواردی نمی تواند در دفاع از متهمان مطرح گردد زیرا دولت مدعی می شود که چنین مواردی زیر پوشش امنیت ملی انجام گرفته است.»

با قطع نظر از اعتراضی که می تواند به چنین مواردی از دیدگاه اخلاقی وارد بداند، ولی هیچ تردید وجود ندارد که موضوع مهمی که در گفتمان کارتر حائز اهمیت می باشد، این است که رئیس جمهور قدیمی نگرانی عمیق خود را در مورد اعمال تبهکارانه دولت امریکا به دلیل به مخاطره افتادن سیاست خارجی امریکا مطرح کرده است. زیرا نه تنها روش های به کار برده شده خصومت ملت های جهان را علیه امریکا برمی انگیزد، بلکه علاوه بر این واشینگتن را از لفاقه حقوق بشر و دفاع از دموکراسی که معمولاً در سیاستهایش به کار می برد محروم می سازد، یعنی روشی که امپریالیسم امریکا از آغاز ظهورش در اواخر قرن نوزدهم به شکل برجسته ای به کار بسته است.

خود جیمی کارتر نیز طی دوران ریاست جمهوری اش به شکل بارزی با همین کارت «حقوق بشر» بازی کرده است، در حالی که دولت او از رژیم شکنجه گر شاه در ایران حمایت می کرد، و با پشتیبانی سازمان سیا، مبتکر شورش اسلام گرایان در افغانستان بود. و باید دانست که در دکترین کارتر اساساً حق استفاده از نیروی نظامی برای گسترش تسلط امریکا بر منابع نفتی در خلیج فارس به رسمیت شناخته شده است.

جیمی کارتر، افسر ارشد نیروی دریائی و متخصص زیردریائی را در سال ۱۹۷۷ وارد کاخ سفید کرده بودند تا اعتبار و نام ریاست جمهوری را که امپریالیسم امریکا در ویتنام و در جریان تبهکارانه واترگیت خسارات زیادی به آن وارد ساخته بود، ترمیم کند. ولی با این وجود، می بینیم که نزدیک به چهار دهه بعد، روش های فرا قانونی و تبهکاری در کاخ سفید دورا دور از آن چه در دوران ریچارد نیکسون به وقوع پیوسته بود، پیشی گرفته است.

تردید وجود ندارد که کارتر در نگارش مقاله اش کاملاً با دقت تمام کلماتش را سنجیده است تا از هر گونه اغراق اجتناب کند. در واقع، نام او باما در هیچ کجای مقاله او دیده نمی شود. با این وصف، در نخستین جملات از مقاله خیلی بلندی یاد می کند که روز اول جون در نیویورک تایمز منتشر شد که گزارشی است درباره او باما که چگونه او شخصاً «فهرست افرادی را که باید کشته شوند» و انتخاب قربانیانش را به عهده می گیرد و چگونه پرونده حملات پهپادها را امضاء می کند، در حالی که کاملاً می داند که غیر نظامیان بی گناه کشته خواهند شد. در چنین شرایطی، کارتر با استفاده از کلمه «قتل» برای تشریح حملات پهپادها، معنای روشنی را صادر می کند. رئیس جمهور قدیمی آمریکا، رئیس جمهور فعلی آمریکا را محکوم به جنایت جنگی و قتل می داند. در سن ۸۸ سالگی، کارتر یک تماشاگر بی طرف است، بیشتر به ارثی که به او رسیده فکر می کند تا به منافع سیاسی. مشاهدات او واقعا بی نظیر و استثنائی است زیرا در همان مقامی بود که او باما، و عضو همان حزبی است که او باما و حتی از او باما طی انتخاباتش حمایت کرد.

ولی پرسش اینجاست که چه عاملی موجب شد که او در فاصله چهار مانده به انتخابات ریاست جمهوری، به چنین حملاتی علیه کاندیدای حزب خودش و رئیس جمهور وقت آمریکا دست بزند؟

او باید به این نتیجه رسیده باشد که نظام سیاسی در آمریکا به اندازه ای در تبهکاری سقوط کرده و تهدید دولت پولیسی به آنچنان ابعادی رسیده که برای او وقت آن رسیده است تا صدایش را به گوش های شنوا برساند. کارتر اعلام کرده است که این فعالیتهای جنایتکارانه با پشتیبانی دو جانبه قوه اجرائی و قوه قانون گذاری و عملاً «در توافق عمومی» انجام گرفته است. در واقع، برای سنجش نظریاتش، تفاسیری که در مقاله اش مطرح کرده، باید آن را از دیدگاه سیاسی انفجاری تلقی کنیم، که البته در رسانه های همگانی ندیده گرفته شده است.

دوازده سال پس از سرقت آرای ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۰، درس اساسی که می توان از این دوران حیاتی زندگی سیاسی در آمریکا آموخت این است که بیش از پیش: در طیف رهبران سیاسی آمریکا هیچ اصل و اساسی برای دفاع از حقوق دموکراتیک و روش های قانون گذاری وجود ندارد.

شکاف بی سابقه بین رهبریت الیگارشسی مالی و توده های کارگر – که بیش از پیش و دائماً طی این دوران عمق پیدا کرد – کاملاً با چنین حقوقی و چنین روش هایی ناسازگار است.

کلمات کارتر اخطار کننده است. تهدید دولت پولیسی آمریکا و کاربرد روش های کشتارگر در خارج توسط امپریالیسم آمریکا حتی علیه طبقه کارگر در خود آمریکا، واقعا در حال گسترش است. در نتیجه طبقه کارگر باید خود را برای بسیج نیروی سیاسی مستقل علیه نظام بهره کشی سرمایه داری که منشأ چنین تهدیداتی هستند آماده کند.

پی نوشت :

1)

National Defense Authorization Act ,NDAA

گاهنامه هنر و مبارزه

Un ex-président américain accuse Obama d'être un assassin

par Bill Van Auken

Mondialisation.ca ,Le 29 juin 2012

[wsws.org](http://www.wsws.org)

Article original ,[WSWS](http://www.wsws.org) ,paru le 27 juin 2012

<http://www.mondialisation.ca/index.php?context=va&aid=31684>

Traduit du français par Hamid Mahvi